

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Scientific

علمی

محمد هارون خیل شعشی

۲۶ سپتمبر ۲۰۱۱

چرا یک "ی" به جای سه "ی" ؟

یقین کامل دارم، که الفبیتیزم^۱ سازمان مرکزی استخبارات (سی . آی . ای . ی) را بارها در نوشته های ژورنالیستان و نویسندگان گوناگون شنیده یا مطالعه نموده اید؛ اما شاید گهی به مفهوم آن از حیث فینالوجی/ فینالوژی توجه نفرموده باشید. به هر صورت، خوانندگان گرانقدر ما آشکارا می بینند، که در این ترکیب انگلیسی سه یای مختلف به کار رفته؛ و همه ما بدون استثناء آن را با همین شیوه تلفظ می کنیم؛ ولی با وجود آن هم در فارسی ایرانی و دری ما با یک یای بدون نقطه نگاشته می شود. مگر تعقل و منطق چنین امر در چیست؟ به عبارۀ دیگر، چگونه می توان سه فونیم^۲ (آواز) کاملاً متفاوت را به وسیله صرف یک گرافیم^۳ (حرف) افاده کرد؟ هرگاه خواسته باشیم، صدا های مزبور را توسط حروف و علامات فونیتیک نشان دهیم، معمولاً اشکال زیرین به خود خواهد گرفت :

حروف فارسی/ دری	حروف و علامات فونیتیک	حروف انگلیسی
سی	sí	C
آی	āy	I
ای	é	A

علامت زیر() به منظور افاده خج یا فشار در صدا، بر روی برخی حروف گذاشته شده است .
در زبان دری، مثال های بی شماری وجود دارد، که این سه صدای مختلف در آن با آسانی و روشنی کامل، مشاهده می گردد. در اینجا توجه خوانندگان عزیز و گرانقدر را به سه نوع صدا و مخرج مختلف «ی» در زبان دری، معطوف می داریم:

- سیرت، طینت، طبیعت، صبانیت، سین، شین، زندگی، بندگی، آزادی، بیهودگی، رهائی، تشنگی، آریائی، افغانی، پاکستانی، هندی و غیره همه از جمله کلماتیست، که «ی» به کار رفته در آن مثل جزء اول ترکیب سی . آی . ای . یعنی کلمه «سی» تلفظ می گردد. این نوع «ی» را معمولاً به نام یای معروف مسما ساخته اند. در پشتو نیز

کلماتی داریم، که با صدای یای معروف فارسی/ دری یک رنگی کامل دارد؛ نظیر خپلواکی، آزادی، ملی، قومی، وطنی و غیره، که آنرا معروفه «ی»، خُرگنده «ی»، لنده «ی»، درنه «ی» و غیره نامگذاری کرده اند. صرف فرق در اینست، که در پشتو برای رفع التباس و مغالطه با سایر یاهها، زیر آن دو نقطهٔ پهلو به پهلو می گذارند.

- جای، وای، رأی، نای، نی، نیستان، نینواز، نیسان و غیره از زمرهٔ کلماتیست، که با جزء دوم ترکیب سی. آی. ای. یعنی مخفف «آی» یک سانی کامل دارد. در پشتو نیز کلمات و واژه هائی داریم، که با همین صدا مطابقت عام و تام دارد؛ به گونهٔ مثال، سری(مرد)، زمری (شیر، اسد، غضنفر، حیوان وحشی)، زلمی/ خلمی(جوان)، لپونی (دبوانه)، منگی(کوزه، سبو) خوسی(گوساله)، چینجی(کرم)، لسی (نوت ده افغانگی)، شیلی/ شلی (نوت بیست افغانگی)، زری(نوت هزار افغانگی) و غیره. در پشتو این گونه «ی» را نرمه/ پسته «ی»، ملینه «ی»، مفرده «ی» و غیره نام گذاشته اند؛ و آن را به سان فارسی/ دری بدون نقطه می نویسند.

- شیر(حیوان وحشی، اسد، غضنفر، زمری در پشتو)، سیر(شکم پُر، کسی که به قدر کافی غذا خورده باشد، مور در پشتو)، تیر(گذشته، سابقه، رفته، منقضی شده)، زیر(پائین)، تیز(نوک دار، تُند، هوشیار، چالاک)، ریز(خورد، کوچک، میده)، میز، سیب، پیش(جلو، مقدم، پیشرو، ضد عقب)، بیش(افزون، اضافه)، تیغ (وسیلهٔ برنده؛ مانند کارد، چاقو، خنجر و غیره)، دریغ (مضایقه، افسوس، حسرت، اندوه) و غیره همه کلماتیست، که صدای «ی» در آن با یای استعمال شده در جزء سوم ترکیب مزبور(ای) همانندی کامل دارد؛ و در دستور زبان فارسی/ دری معمولاً به یای مجهول نامگذاریش کرده اند. در پشتو نیز کلماتی داریم، که با همین صدا یا همین «ی» تلفظ می گردد؛ مانند هیر(فراموش شده)، پیغور(طعنه، سرزنش)، تیر(گذشته، سابقه، رفته، منقضی شده)، کنبینستل (نشستن) و غیره، که برخی دستور نویسندگان آن را به نام «ی» مجهول و عده ای هم به نام «ی» طویل یا دراز، عنوان گذاشته اند. به نظر این عاجز، تسمیهٔ یای طویل یا دراز در مقایسه با یای مجهول، بیشتر موجه و معقول به نظر می آید؛ چه در همچو کلمات یقیناً صدای «ی» خصوصیت طویل و دامنه دار می داشته باشد؛ و نامگذاری پیشین آن تحت عنوان یای مجهول، مدلول و مفهومی را به نحو بهتری تمثیل و توضیح نمی دارد. چنانچه وجه تسمیهٔ یای طویل یا دراز نزد صاحب نظران ارجمند دستور زبان فارسی/ دری پذیرفته آید، آنگاه یای معروف را یای مقصور یا کوتاه نیز می توان نام گذاشت. به هر حال، بحث بر سر نامگذاری این یا آن «ی» نبوده، بلکه سخن بر چگونگی تمثیل و افادهٔ چنین «ی» در سیستم املائی زبان فارسی/ دری است، که باید سخت بدان توجه داشت. در پشتو یای مجهول یا طویل را به شکل یای واجد دو نقطهٔ سر بر سر(ی) طرح ریزی نموده اند تا باشد بدین وسیله از چهار نوع دیگر «ی» های مستعمل درین زبان، مجزا و متمایز گردد.

متأسفانه همسایگان ایرانی ما اکنون در فارسی خویش فونیم یای مجهول یا دراز را به کلی از بین برده اند. بدین معنا که نه در گویش و نه در نگارش، تفاوتی میان یای معروف و یای مجهول (دراز) قایل اند. شیر(مادهٔ خوردنی، شیدی در پشتو) و شیر(جانور جنگلی، اسد، غضنفر، زمری در پشتو) هر دو را به گونهٔ کلمات هوموفون^۵ یا هم صدا تلقی می نمایند. توضیح این که هر دو کلمه را یکسان تلفظ می نمایند؛ و یکسان تحریر می دارند. خوشبختانه در دری ما تا هنوز با این دو کلمهٔ جداگانه به عنوان کلمات هوموگراف^۶ برخورد می کنند. یعنی یک رنگ می نویسند، ولی متفاوت تلفظ می نمایند؛ در حالیکه زبینه آنست تا همچو واژه ها را به مثابهٔ کلماتی بشناسند، که در ریشه، تلفظ و املاء با هم تفاوت جدی و بارز دارد. به زعم این عاجز آن روزها دور نخواهد بود، که این مشخصهٔ اصیل و باستانی زبان دری در اثر تهاجم ظالمانهٔ استیلاگران فارسی ایران و پذیرائی کورکورانهٔ شماری از بیگانه پرستان افغان، آهسته آهسته کم رنگ تر و سرانجام ناپدید گردد. بدون شک، تهاجم

فرهنگی اجاره داران زبان فارسی در نادیده گرفتن تفاوت های انواع گوناگون «ی» خاتمه نمی یابد . سیل هولناک کلمات ساخته و پرداخته فرهنگستان ایران، روز تا روز جای کلمات و مصطلحات شیرین دری و پشتو را اشغال می نماید. با کمال تأسف همراه با این تهاجم ناروای فرهنگی، مذهبی و سیاسی تلفظ های نادرست ایرانی برخی کلمات اروپائی نیز در دری و پشتوی ما شیوع یافته است. با یک نگاه گذرا به این چند مثال، مُشت نمونه خروار، به وضوح در می یابیم، که تلفظ های نادرست ایرانی تا چه حد در تاروپود زبانهای دری و پشتوی افغانستان عزیز، رخنه کرده است :

تلفظ درست پشتو	تلفظ دری	تلفظ درست نادرست	تلفظ نادرست ایرانی	تلفظ معیاری انگلیسی	املاي انگلیسی
افریکم	افریکم	افریکوم	آفریکوم	افریکم	AFRICOM
باستن	باستن	باستون	باستون	باستن	Boston
کانتینینتل	کانتینینتل	کانتینیتال	کانتینیتال	کانتینینتل	continental
کلینتن	کلینتن	کلینتون	کلینتون	کلینتن	Clinton
جگسن	جگسن	جگسون	جگسون	جگسن	Jackson
پول/ پُول	پول/ پُول	پاول	پاویل/ پاوِل	پول/ پُول	Paul
پینتاگان	پینتاگان	پنتاگون/ پینتاگون	پنتاگون	پینتاگان	Pentagon
ریچرد/ ریچرِد	ریچرد/ ریچرِد	ریچارد	ریچارد	ریچرد/ ریچرِد	Richard
ریچردسن/ ریچرِدسن	ریچردسن/ ریچرِدسن	ریچاردسون	ریچاردسون	ریچردسن/ ریچرِدسن	Richardson
کانتینینتل	کانتینینتل	کانتینیتال	کانتینیتال	کانتینینتل	continental
آیدیل	آیدیل	ایده آل	ایده آل	آیدیل	ideal

ایدیالوجی/ایدیالوژی	ایدیالوجی	ایده لوژی/ایدئولوژی	ایده لوژی/ایدئولوژی، ایدیولوژی	ایدیالوجی/ایدیالوژی	ایدیالوجی/ایدیالوژی
ستندرِد/ستیندرِد	ستندرِد/ستیندرِد	استندارد/ستاندرد	استندارد/ستاندرد	ستندرِد	ستندرِد/ستیندرِد
تکسی	تکسی	تاکسی	-	تکسی	تکسی

بلی! شکل و معنای کلمات در بسیاری موارد از یک زبان تا زبان دیگری، دستخوش تغییر و دگرگونی قرار می گیرد؛ اما در صورتی که عینِ فونیم های کلمات بیگانه در زبان های خود مان وجود داشته باشد؛ و همه ما با آسانی قادر باشیم تلفظ آن را مطابق به اصل و یا خیلی ها نزدیکتر به آن اداء نمائیم، هیچ دلیلی وجود ندارد تا غلط های دیگران را نیز کورکورانه تقلید نمائیم. در سایت های افغانی فراوان می بینیم، که حتا برخی از مترجمان پشتو نیز به تبعیت از رسم الخط فارسی ایران، پاره ای کلمات، به عنوان مثال افریکم، ریچدسن/ریچردسن، مک کریستل و غیره را به شکل نادرست آن (افریکوم، ریچاردسون، مک کرسیتال و غیره) می نویسند. معنای این تقلید کورکورانه به خودی خود می رساند، که ایشان با تلفظ های متداول آن در زبان انگلیسی آشنائی ندارند؛ و الا چه انگیزه و دلیلی وجود دارد، که غلط های بی شمار خویش را با تقلید غلط های ایرانی ها، دوچندان سازیم؟! ایرانی های بیچاره حتا در کلمات واضح و روشن پشتو نظیر «کرزی»، «شبرزی»، «توره بوره»، «ملکند» و بسا کلمات دیگر نیز مشکل دارند؛ و آنرا بدون موجب به «کارزای»، «شیرزای»، «تورا بورا»، «ملاکند»، «پکتیا» و غیره تبدیل می کنند؛ و بدین ترتیب تغییری در سیلاب ها و هجا های آن وارد می سازند. در همچو مسخ سازی گاه گاه از کاه، کوه و از فیل، فیل ساخته می شود.

خواننده ارجمند خود قضاوت خواهند کرد، ایرانی ها «امریکا» را «آمریکا» می نویسند، ولی «ایمریکا» تلفظ می کنند، که در واقع دو غلطی در یک لغت را نشان می دهد. اول وضع املائی غلط برای کلمه «امریکا»، که صدای الف ممدوده در اصل آن وجود ندارد. دوم عدم پیروی از تلفظ وضع شده خویش. البته، چون دوستان ایرانی ما چنین طرز گویش و نگارش را آسانتر و مقبولتر به حال خویش تشخیص داده اند، ما را با ایشان هیچ مشکل و هیچ اختلافی نیست؛ خدا آن ها را همواره درین انتخاب شان خوش و شادمان نگهدارند؛ اما ما افغان ها و دیگران هیچ گاه مجبور نیستیم، که از راه و روش نادرست آنان کورکورانه پیروی نمائیم .

انگلیس ها اگر «خان» را «کهان»، «افغان» را «افگان»، «سودان» را «سودان» تلفظ می کنند، بیچاره ها با مشکل نبود فونیم های لازم در زبان خویش دست و گریبان اند؛ و ناگزیر برای افاده چنین فونیم ها به مخرج های نزدیک در زبان خویش مراجعه می کنند؛ و نه هیچ گاه قصد مسخ کردن و دگرگون ساختن کلمات بیگانه را ندارند . به همین ترتیب اند عرب ها که از ناچاری «کمپیوتر» را «کمبیوتر»، «پاکستان» را «باکستان»، «تلویزیون/تلویزیون» را «تلفیزیون»، «پارک» را «بارک» و «ویکتوریا» را «فیکتوریا» می خوانند و می نگارند؛ اما با کمال تأسف شماری از ژورنالیستان و نویسندگان بی خبر ما نیز مثل انگلیس ها «سودان» را

«سودان» می نویسند و می خوانند. بی خبر از این که سودانی ها در زبان خویش اصلاً گرافیم «د» ندارند. تلفظ «افغانیستان»، «ایزلام»، «ایزلام آباد» و غیره نیز از جانب افغان های انگلیسی خوان هیچ مبنای علمی ندارد؛ زیرا ما بر مبنای داشتن صدا های گوناگون در سیستم هجائی خویش، ضرورت نداریم کلمات زبان خود و بیگانه را حق و ناحق کج و معوج سازیم. وقتی در گفتار ما کلمات نظیر «افغانستان»، «اسلام»، «اسلام آباد» و غیره را به شکل درست و اصلی آن اداء نمائیم، انگلیس ها و سایر انگلیسی زبانان نیک می دانند، که منظور ما چیست. دانشمند شیرین سخن و نکته سنج، جناب دیپلوم انجینر خلیل الله معروفی، از جمله نویسندگان و محققان گرانمایه افغان است، که در مقالات پُربارش راجع به اصالت زبان دری و فرهنگ افغانی، به علاوه وجوه افتراق «ی» معروف و مجهول، از تهاجمات گوناگون فرهنگی، مذهبی و سیاسی دولت آخوندی ایران و طرق مبارزه با آن نیز با درایت و شایستگی تمام، بحث نموده اند. امیدوارم مجموعه مقالات گران سنگش هرچه زودتر به زیور طبع آراسته گردد تا همه علاقه مندان درست گوئی و درست نویسی، به خصوص آنهای که تا حال به سهولت اینترنت دسترس نداشته، از آن استفاده و استفاضه شایان برند.

خوانندگان درست اندیش و ژرفنگر ما خوب درک می نمایند، وقتی تفاوت میان پای معروف و مجهول را از میان برداریم، چه مغالطه ها و التباس ها در مفاهیم و معانی کلمات رُخ می هد. در سطور آتی مثالی چند ازین نوع التباس های معنوی را خدمت دوستان عزیز تقدیم می داریم:

پای معروف یا مقصور	پای مجهول یا طویل
شیر /šir/ (ماده خوردنی، حلیب، شیدی در پشتو)	شیر /šer/ (جانور جنگلی، اسد، غضنفر، زمری در پشتو)
سیر /sir/ (خوردنی از نوع سبزی، هوره در پشتو)	سیر /ser/ (کسی که شکم پُر غذا خورده باشد)
تیر /tir/ (خدنگ، پیکان، غشی در پشتو)	تیر /ter/ (گذشته، سابقه، منقضی شده، تیر سوئی در پشتو)

حال اگر شیر (جانور جنگلی، اسد، غضنفر، زمری)، سیر (کسی که شکم پُر غذا خورده باشد)، تیر (گذشته، سابقه، منقضی شده، تیر سوئی) و بسا کلمات ازین سنخ را با پای مجهول (ی) بنوسیم، مشکل التباس معنوی آن با سایر کلمات مشابه، به کلی منتفی خواهد شد. ترکیب «سی . آی . ای» را به شکل «سی . آی . ای» نگاشتن نیز به نوبه خود می تواند از خلط فونیم های جداگانه در کلمات، جلوگیری به عمل آرد.

بهترین رسم الخط از نظر زبانشناسان معاصر آنست، که بتواند فونیم ها (صدا ها) ی موجود در یک زبان را به وسیله گرافیم ها (حروف و علامات) ی جداگانه تجسم و تبارز دهد. حرف عقل و منطق نیز همین است؛ زیرا تا وقتی که هجا های گوناگون مستعمل در یک زبان به نحو شایسته توسط حروف و علامات جداگانه تمثیل و تبلور نیابد، همواره درگوش و نگارش کلمات مختلف، مشکلات و دشواری هائی وجود خواهد داشت؛ و این دشواری

خواهی نخواهی روند مفاهمه و مکالمه، آموزش و پرورش و بالاخره حفظ میراث های فرهنگی همان زبان را به گونه زیانباری تحت الشعاع قرار می دهد. بدون شک، در زبان هائی که به ارزش های فینالوژیک^۶ در رسم الخط خود توجه لازم نکرده اند، این چنین نقایص و نابه سامانی ها به طور چشمگیری عرض وجود می نماید.

شاید برخی استدلال نمایند، که از میان بر داشتن تفاوت میان انواع گوناگون «ی»، «و» و سایر گرافیم ها، مسأله انشاء و نگارش را سهلتر ساخته، ازین رو نباید دنبالش گشت؛ اما پاسخ من این خواهد بود، اگر وضع حروف و علامات مشخص برای افاده صدا ها و هجا های متفاوت، چنان که این گروه استدلال نمایند، امر سواد آموزی و نویسندگی را دچار مشکلات و دشواری ها ساخته، آنگاه بی جهت نخواهد بود تا برای آسانی کار تفاوت میان «ش» و «سین»، «ظ» و «ز»، «ط» و «ت» در فارسی و «س» و «ش»، «ر» و «گ»، «بن» و «خ»، «س» و «خ» در پشتو را نیز از بین برد؛ زیرا نادیده انگاشتن تفاوت میان یای نرم، یای مجهول و یای معروف چنان بزرگ و ارزنده است، که تفاوت میان «ش» و «س»، «ظ» و «ز»، «ط» و «ت» در فارسی یا «س» و «ش»، «خ» و «س»، «ر» و «گ»، «بن» و «خ» در پشتو ارزشناک و درخور توجه می باشد. اگر کسی در پشتو تفاوت «ش»، «بن» و «خ» را به فراموشی بسپارد، التباس های عجیب و غریبی در معانی کلمات به وجود می آید؛ به طور مثال شندل با «ش» به معنای پاشیدن و شاش(بولی/متیازی) است؛ بندنل با «بن» به معنای بخشیدن و هبه کردن است؛ در حالی که مصدر خندل با «خ» معنای تبسم کردن یا خندیدن را می رساند. شادی با «ش» میمون، بوزینه یا بیزو را گویند؛ بنادی با «بن» معنای خوشی، خوشحالی، شور و شعف را می رساند؛ در حالی که خادی (با یای مجهول) حالت جمع «خاده» است، که معنای آن بر همگان روشن است. به همین منوال «خانگه» به «خ» معنای شاخ بوته یا درخت را می رساند؛ حال آنکه «سانگه» با «س» به معنای نیزه آمده است. پس می بینیم، که با تغییر کوچک صدا ها در کلمات گوناگون، مفهوم و معنای آن نیز از زمین تا آسمان فرق می کند.

این حقیر حتا در نوشته های خود به زبانشناسان دانشمند هر دو زبان پشتو و دری پیشنهاد نموده ام تا به منظور تفکیک و تشخیص واو معروف، مجهول و معدوله نیز علامات فارقه ای وضع نمایند. چه می دانیم، در تلفظ واو معروف (مانند صورت، ولایت، وقاحت، وصل، وصال و غیره در فارسی؛ و سور، ودان، ورتیا، ویشتل و غیره در پشتو)، واو مجهول (نظیر خوردن، رویت، روز، روزی، سوزش، سوختن و غیره در فارسی؛ و خور، ورور، مور، پیغور، پسور و غیره در پشتو) و واو معدوله (چون خواب، خواهر، خویش، خواهش، خواستن، نیکخواه، تنخواه و غیره) تفاوت های بسزائی وجود دارد، که مستلزم وضع علامات ویژه و مشخص برای تمثیل صدای به خصوص آن است؛ زیرا علم و دانش چیزی نیست جز تکاپو و تقلا برای سهل کردن و بهتر ساختن پیچیدگی ها و دشواری زندگی .

1 alphabetism

2 C.I.A.

3 phoneme

4 grapheme

5 homophone

6 homograph

7 phonologic